



واکاوی مجموعه «مردن در کلمات» مسعود امینی (م. روانشید)

شاعری که شعر را زندگی می کند...

نگارنده: سریا داودی حموله
شاعر، منتقد ادبی و پژوهشگر فرهنگ مردم

برخی اشعار او در جهت مفاهیم اروتیک به تصویر کشیده شده‌اند که در این میان واژه «پستان» بیشترین بسامد را دارد:

– پستان‌هایش / استعاره کوچکی بودند / برای دیدن / نوشتن و رفتن «از شعر» برای نوشتن و رفتن»

– پستان‌هایش / مرا به کوچه می کشاند (از شعر «برای نوشتن و رفتن»)

– پستان‌هایش با چشم‌هایم بازی می کنند (از شعر «ترنج»)

– دست‌هایت را بالا ببر / و پستان‌هایت را نشانم بده / این یک حمله مسلحانه است (از شعر «روزگاری»)

– آن‌جا که مرگ / پستان به پنجره می‌ساید (از شعر «به تیمارداران زندگی»)

– مرگ هم همچون من / از پستان پاکیزه زمین میکیده است (از شعر «در پناه دیوارها»)

رویکردهای عشق‌مرگی: اگرچه ذهنیت شاعر در پوسته اومانستی است، اما فضای رمانتیک هم لایه‌لای کلمات کاشته شده است. شاعر لحظه‌های عاشقانه را زیسته و با لایه‌های عاطفی - احساسی، مفاهیم را به تصویر کشیده است:

همه زنان معشوقه‌های من‌اند / اما / تنها یکی به حرف‌های من گوش می‌دهد / و باز / با من می‌خواهد (از شعر «معشوقه‌های من»)

این اندیشه پنهان بر اساس روایت‌های احساسی و عاطفی بنا شده است. در این رمانتیک‌گرایی، با پیوند بین ذهنیت و عینیت لحظه‌های ناب شاعرانه ترسیم می‌شود:

مثل گریه در دستمال خیس / زمین در دست‌های ما /

همیشه گوشه یک بسته پستی

یک دل پنهان است

نمی‌بینی ش

حرف نمی‌زند

اما هست

یک بسته پستی که

دل می‌آورد

دل می‌برد... (از شعر «یک بسته پستی»)

مسعود امینی مشهور به م. روان‌شید، از چهره‌های شعر پیشرو دهه هفتاد است. این شاعر و پژوهشگر زبان پارسی، تا کنون چندین مجموعه شعر منتشر کرده است؛ همچون: بار یار و آفتاب (۱۳۶۹ ش)، باران تمام سال‌ها (۱۳۷۸ ش)، بیا برای زندگی اسمی انتخاب کنیم (۱۳۸۱ ش)، خطابه به تاریکی (۱۳۹۱ ش)، کمی از موهبت بی‌پرواست (۲۰۱۴ م) و نیستم تا بگویم دوستت دارم (۲۰۱۶ م).

از دیگر مجموعه‌های شعر او، مردن در کلمات است. زبان ساختاری «مردن در کلمات» ساده و بی‌پیرایه است. در این فرم روایی مفاهیم مختلفی شکل می‌گیرد. در ادراکات و احساسات، ظرافت‌های فراحسی نهفته است. ساختار روایی به واسطه تک‌گفتارهای درونی، زبان مفهومی، غربت‌های زبانی و جسارت‌های کلامی است. در تک‌گویی، زبان روایی اولویت دارد و آشنایی زدایی معنایی حاصل کشف و شهود است.

با رویکردهای مختلط می‌توان به اشعار نور تاباند تا گوشه‌ای از زیبایی‌شناسی اشعار بازتاب داده شود.

رویکردهای اروتیک: روان‌شید روحیه حساس و لطیفی دارد و فضای اروتیک را بی‌هیچ محابایی به تصویر می‌کشد: خودارضایی با دستان بسته / همه ما را پیر کرده است (از شعر «با دستان بسته»)

است. در این مجموعه، این عبارات و واژه‌ها بیشترین تکرار را دارند: «جلد شناسنامه»، «بسته پستی»، «کتاب»، «گریو طبل‌ها»، «داغ‌ها»، «درفش‌ها»، «سه خشت خام»، «خیمه»، «قلمدان»، «لباس»، «تن پوش»، «پیراهن»، «تی شرت»، «عبا»، «مداد»، «خشب»، «تفنگ»، «تیر»، «ترکش»، «تک تیر»، «گلوله»، «سفره»، «پنجره»، «چسب»، «قلم»، «بمب»، «شلیته»، «هیزم»، «تبر»، «نخل»، «بلور»، «درشکه»، «کفن»، «چراغ»، «نامه»، «کاغذ»، «کلاه»، «لیوان»، «قمقمه»، «قطار»، «کبریت»، «میخ»، «پیچ»، «جیوه»، «براده»، «خلخال»، «سنگ» و «طلسم».

راوی / شاعر به انسان‌وارگی اشیاء می‌اندیشد و از منظر دانای کل شعر را به پیش می‌برد، تا شیء یافتگی کلمات را ترسیم کند:

من انتظارم از مدادهایم / در روزگار تلخ / مردن در کلمات بود / کسی نمی‌دانست (از شعر «مردن در کلمات»)
مدادهای رنگی تنهام گذاشته‌اند / کلمات / و عاشقانه‌های پنهانم (از شعر «و ما کولی‌ها»)
نقاشی‌هایم را پاره می‌کنند / مجسمه‌هایم را می‌شکنند (از شعر «خواب»)

مثل گریه در دستمال خیس (از شعر «گریه در دستمال خیس»)

تنها یک فنجان قهوه فاصله بود (از شعر «فرصت»)
زیباترین دودکش‌ها / دوایر دیوانه‌ای دارند (از شعر «کرشمه»)

هیچ کس گلوله نداشت / جز ما قابله‌ها / که از واژه‌های منفرد / گزاره‌ها ساختیم (از شعر «جان در جلیقه می‌مرد»)

ای پیراهن تنبل / ای تن پوش بیگانه با من (از شعر «آواز»)
این پنکه پا ندارد / اما مدام می‌چرخد (از شعر «به: کورش کرمپور»)

بسیاری از این نمونه‌ها که حجم بیشتر کتاب را تشکیل داده‌اند، با تکرار کلماتی نظیر «مداد»، «پنجره»، «گلوله»، «مقبره» و «چراغ» جهان اشیاء را به هم نزدیک می‌کنند. این پاره‌روایت‌ها در جهت نگاه سورئالیستی است که در آن روابط بین اشیاء به نفع زبان استفاده می‌شود.

رویکردهای جغرافیایی: روان‌شید شاعری جنوبی است، اما دورافتاده از وطن است. با این وضعیت جان‌ش در جنوب (اهواز / آبادان) نفس می‌کشد. روح شاعرانه نشان از فضای جنوب دارد. کلماتی مانند «کارون»، «گرما»، «جنوب»، «شرجی»، «شلیک»، «جنگ»، «بمب»، «نخل»، «اهواز»، «اشکر»، «خشایار»، «گاو» و «گاو میش» مفهوم جغرافیایی گرم و سوزان را دارند.

دست به دست می‌چرخد / این‌جا که منم / آن‌جا که تویی / دشوار است بگویم وطن (از شعر «گریه در دستمال خیس»)

جهان بیرونی اشعار در مداری حسی - مفهومی می‌چرخد و ساختار زبانی سرشار از لایه‌های حسی - عاطفی است. رویکردهای انتقادی: برخی اشعار به مانند یک خطابه سیاسی - اجتماعی هستند. شاعر در این وضعیت مضامین تعارضی را به تصویر می‌کشاند و اتفاق و رخداد‌های ریز و درشت را ترسیم می‌کند و با اندیشه سیاسی - اجتماعی جنبه‌های مفهومی را رقم می‌زند. در این حالت به واسطه «من» رمانتیک، «من» انسانی و «من» اجتماعی روایت‌گری می‌کند.

از آن‌جا که ادبیات جای تفکر انتقادی است، عصیان‌گری تجربه تازه‌ای در ساختار ساده‌نویسی به شمار می‌رود؛ ذهنیتی که بر ساختارهای دگراندیشی استوار است.

موضوع اعتراضی و تعارضی برخی سطور در چارچوب مونولوگ‌های انتقادی باقی می‌ماند. حوادثی که حول محور آبان می‌چرخد، همچنان که با لحن غمگینانه در گستره اجتماعی سروده است:

خواهران / گلوله‌های آواره / عاشق پیشانی شما شده‌اند / آبان به آبان بیاید و / ترانه عشق بخوانید / این‌جا سرزمین گلوله‌های آواره است (از شعر «سرزمین من»)
اشعاری از این دست بازتاب آگاهی جمعی هستند. در این وضعیت، زبان حامل گزاره‌های انتقادی است. گاه «من فاعلی» گزارشگری است که سعی دارد تعلیقی در معنا بیافریند تا تغییری در زاویه دید به وجود آورد.

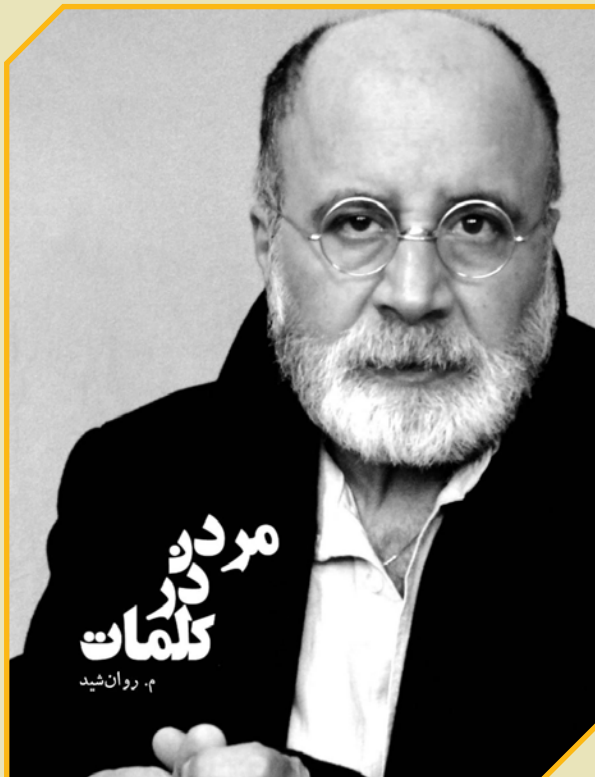
رویکردهای پیشگویانه: درون‌مایه‌های برخی اشعار از مفاهیم پیشگویانه است، با امید و آرزوهایی که محقق خواهند شد.

جذابیت این رئالیسم سیاه هم بسته به دلالت‌های پیشگویانه است. گاه راوی یک عشق تراژیک را پیش‌بینی می‌کند:

نگران نباش / این بهار هم می‌آید / و این بهار هم می‌گذرد / یکی از ما شاید / نباشد که ببیند / اما شاخه‌ها و درخت‌ها / بی‌هراس و هیاهو / دوباره جوانه می‌زنند (از شعر «نگران نباش نازنین»)

رویکردهای اشیاء: شاعرانگی روان‌شید با روح اشیاء مرتبط و متصل است. شاعر به واسطه رابطه انسان و اشیاء افق تازه‌ای به زبان داده است. وی درکی متفاوت از اشیاء دارد. تصرف ذهنی او در اشیاء و پدیده‌ها نو و تازه است.

مجموعه «مردن در کلمات» رنگ اشیاء به خود گرفته



و تکرار زمان حال استمراری در اشعار، دوام و استمرار موضوع‌ها را می‌رسانند. در این برج‌ها که می‌گذرند/ نام‌های ماست/ که تشییع می‌شود/ آلیسیا/ تنها تو می‌دانی/ من از کجا آمده‌ام/ مرا به کجا می‌برند (از شعر «۶ شهریور ۱۳۹۹»)

روان‌شید دنیا را متفاوت می‌بیند و در صدد تعریف تازه‌ای از کلمات است. با تصویرگرایی به زبان عمق می‌دهد و معنا را احضار می‌کند. اگرچه کلمات هارمونی ساده و طبیعی دارند، اما ترکیبات هم‌آوا سبب آهنگین شنیدن کلام می‌شوند. گاه سطرهایی در حد جملات قصار ظاهر شده‌اند: تنها مرده‌ها خبر دارند/ قبرهای ما/ کجای جهان می‌چرخند (از شعر «با دستان بسته»)

شاعر معنا و مفهوم را معیار کانونی اشعار قرار داده است. او با شعر بینابینی پیوندش را با شعر پیشین نگسته است. روان‌شید گزاره‌های روایی را کنار هم می‌چیند، با حس‌های نوستالژیک مفاهیم انسانی را به رشته تحریر درمی‌آورد و با تناسب و تقارن، حس‌های عاطفی - احساسی را ترسیم می‌کند.

منابع:

امینی، مسعود (م. روان شید) (۲۰۲۱ م). مردن در کلمات، سوئد: نشر کتاب ارزان

زبان شعر او تازه و بدیع است و تصویرگرایی در این مجموعه متعارف است. شاعر از عناصر بومی جنوب بهره می‌برد تا حس‌های نوستالژیک را به تصویر بکشد. تأثیر اعجازگونه حس‌های نوستالژیک در سطح زبان باز نمود بارز دارند. شاعر از موقعیت دلخواه جنوب می‌گوید؛ از عناصر طبیعی‌ای که نشانه‌ای از جغرافیای جنوب را با خود حمل می‌کنند؛ به طوری که از موتیف‌هایی نظیر «اهواز»، «گل‌لوه»، «تیر»، «گرما» و «شرجی» به دفعات بهره می‌برد تا تا هویت واقعی خود را بیان کند:

تو نمی‌دانی حوض چیست/ شب‌نشینی کنار حوض/ شرجی، تابستان اهواز یعنی چه/ تو نمی‌دانی اهواز کجای جهان ایستاده است. (از شعر «فلک‌سه دختر»)

رویکردهای طبیعت: شاعر از رابطه متقابل طبیعت و انسان را می‌گوید، در هم‌معنایی با طبیعت حرکت می‌کند و در شعر- طبیعت از موتیف‌های بادوامی نظیر «درخت»، «بلوط»، «سیب»، «سنبل»، «شقایق»، «انار»، «تاکستان» و «نخل» استفاده می‌کند:

ای جهان حاصلخیز/ پلنگان پیر می‌دانند/ دیگر/ هیچ پناهگاهی/ مرا پناه نمی‌دهد (از شعر «ای جهان حاصلخیز»)

طبیعت این امکان را به شاعر می‌دهد که مفاهیم تازه را به تصویر بکشد. در این جهت سطرها از منطق مضمونی پیروی می‌کنند.

رویکردهای مفهومی: روان‌شید جهان را به شکل متفاوت می‌بیند و هنر اصلی‌اش تغییر واقعیت‌هاست. او به طور معمول حضوری آگاهانه در شعر دارد، درگیر مسائل و معضلات اجتماعی است و خشم عمیقی نسبت به جهان و مافیة دارد. او در شعرهایش از تنهایی، اضطراب و هراس انسان معاصر می‌گوید.

در رویکردهای مفهومی، موتیف و موضوع‌های متفاوت کنار هم چیده می‌شوند تا وجوه تازه‌ای از تصاویر روایی ترسیم شود؛ همچنان که مضامین، برجستگی‌های موضوع را در برمی‌گیرد تا جذابیت معنایی خاصی را به ذهن متبادر کنند.

«مردن در کلمات» در حوزه معنا و فرم ساختارمند است. این کارکردها معطوف به لایه‌های معنایی است. به واسطه سطرهایی اعتراف‌گونه، نوعی جنون‌مندی در لایه‌های کلمات موج می‌زند. در این تصاویر روایی، انگاره‌های «تاریکی»، «اضطراب و دلهره»، «عشق» و «مرگ» دلالت بر رئالیسم سیاه دارد.

در اشعار او دلالت معنایی سبب درخشش زبان می‌شود